

# اسلام گرایی و پسا اسلام گرایی

منبع: سایت رادیو زمانه، روز جمعه، ۷ فروردین ۱۳۹۴

دو هفته پیش کنفرانس دو روزه ای تحت عنوان «اسلام گرایی و پسا اسلام گرایی»<sup>۱</sup> در دپارتمان دین دانشگاه کویینز<sup>۲</sup> کانادا به همت دو تن از اعضای هیئت علمی آن دپارتمان، محمد کارابلا و فروغ جهانبخش برگزار شد. آصف بیات و عبدالکریم سروش، دو سخنران اصلی<sup>۳</sup> این سمینار بودند. محققان و اساتید اسلام شناسی و خاورمیانه شناسی در این دو روز گرد هم آمدند و درباره مسائل و تحولات جهان اسلام یا یکدیگر گفتگو کردند. برخی از سخنرانان، وضعیت مصر و تحولات چند ساله اخیر آنرا، از به قدرت رسیدن اخوان المسلمین و محمد مرسی تا شبه کودتای ارتش که قدرت کنونی را در دست دارد، به بحث گذاشتند. بنا بر روایت ایشان، مرسی سوداهای باطلی در سر می پروراند و در پی تغییر قانون اساسی بود؛ در عین حال وضعیت مخالفان و منتقدان و توسعاً حقوق بشر در مصر کنونی، پیشرفتی نداشته و تلخ و اسفناک است. هر چند «اخوان المسلمین» به لحاظ سیاسی ناتوان شده و توسط دولت ژنرال السیسی بسیار محدود گشته و به حاشیه رانده شده، اما به لحاظ پایگاه اجتماعی، همچنان طرفداران قابل توجهی دارد. در عین حال، به گفته برخی از سخنرانان، تعداد جوانان مسلمان مصری که در قالب گروه های مدنی مختلف فعالیت می کنند و به «اسلام سیاسی»<sup>۴</sup> باور ندارند و قائل به جدایی نهاد دین از نهاد حکومتند و در پی اجرای قوانین شریعت توسط دولت نیستند، چشمگیر است. در همین راستا، در میزگردی درباره «سلفی گری و اسلام گرایی»، برخی از سخنرانان، از گروه هایی سلفی در افغانستان و پاکستان یاد کردند که خود را سلفی ناب<sup>۵</sup> می انگارند و در عین حال از اسلام سیاسی عبور کرده و بدان باور ندارند. افزون بر این، یکی از سخنرانان نکات جالبی درباره «حزب الله لبنان» مطرح کرد. به روایت وی، فارغ از چهره سیاسی ایدئولوژیکی که از این گروه سیاسی در فضای عمومی ساخته شده، حضور زنان در برنامه ها و مراسم حزب الله چشمگیر است، همچنین توجه به هنر و فراهم آمدن مجال و محلی برای فعالیت های هنرمندان در رشته هایی چون موسیقی و نقاشی، در میان اعضای حزب الله لبنان قابل توجه است. از منظر این محقق، این امور سویه های دموکراتیک قابل تاملی دارد و تداعی کننده عبور از اسلام گرایی و اسلام سیاسی و گرایش به «پسا اسلام گرایی» نزد برخی از اعضای و هواداران گروه حزب الله لبنان است.

در میزگرد دیگری، وضعیت کنونی سیاسی کشور ترکیه به بحث گذاشته شد. بنا بر روایت هر چهار عضو این میزگرد، هر چند در ترکیه کنونی، نهاد دین از نهاد حکومت به لحاظ قانونی جداست و «اسلام سیاسی» زمام امور را در دست ندارد، اما حزب «عدالت و توسعه»<sup>۶</sup> به رهبری رجب طیب اردوغان که قدرت را در دست دارد، تلاش هایی در جهت استفاده از امکانات دولتی برای جمع آوری آراء به نفع خود انجام داده است. مثلاً شهرداری با برگزاری سفره های افطار مجانی در ماه رمضان، طیف وسیعی از مسلمانان روزه دار را به سمت خود جذب کرده است. یکی از سخنرانان این میزگرد به شخصیت کاریزماتیک اردوغان و سوداهایی که در سر می پروراند، اشاره کرد. وی با اشاره به اینکه اردوغان متأثر از اربکان است، تاکید کرد که خواست و میل باطنی اردوغان و اطرافیانش، تغییر قانون اساسی و به نوعی عبور از «پسا اسلام گرایی» و بازتولید و احیاء امپراطوری و خلافت عثمانی است؛ اما و هزار اما که موانع عدیده بر سر

1. Islamism & Post-Islamism  
2. Queen's university  
3. keynote speakers  
4. political Islam  
5. purist Salafi  
6. AKP: Adalet ve Kalkinma Partisi

راه است و بادهای ناموافق بسیار می‌وزد. در عین حال، اردوغان به سان شناگر ماهر می‌کند، به نیکی می‌داند در فضای سیاسی ترکیه کنونی و عرصه سیاست بین‌المللی، چگونه با استفاده از شمش سیاسی بالا و تکیه بر شخصیت کاریزماتیک خویش، منویات خود را پیش ببرد.

روز اول کنفرانس، سخنرانی آصف بیات تحت عنوان «پسا اسلام گرایی و دغدغه‌های مربوط به آن»<sup>۱</sup> برگزار گردید. آصف بیات در نیمه دوم دهه نود سده بیستم میلادی، اصطلاح «پسا اسلام‌گرایی»<sup>۲</sup> را وضع کرد، همچنین مفهوم «انقلاب»<sup>۳</sup> از بر ساخته‌های این جامعه شناس مشهور است. در دهه اخیر ادبیات غنی‌ای حول مفهوم «پسا اسلام گرایی» شکل گرفته و سویه‌های مختلف آن توسط محققان و صاحب‌نظران واکاوی شده است. مراد بیات از «پسا اسلام گرایی»، عبور از اسلام سیاسی و تاکید بر تفکیک میان نهاد دین و نهاد حکومت و جدی گرفتن نهادهای مدنی و جنبش‌های اجتماعی برای نهادینه شدن ساز و کار دموکراتیک در کشورهای اسلامی است. بیات با تاکید بر این نکته که پسا اسلام گرایی متضمن عبور از اسلام ایدئولوژیک و به رسمیت شناختن سبک‌های مختلف زندگی است؛ از دغدغه‌ها و نگرانی‌های خویش نیز سخن گفت. به روایت او، «پسا اسلام‌گرایی» به حوزه اقتصاد کمتر پرداخته و در این باب نظریه پردازی چندانی کرده است، از اینرو در اولین فرصت باید به این مهم پردازد.

عبدالکریم سروش روز دوم کنفرانس تحت عنوان «اسلام پسا ایدئولوژیک»<sup>۴</sup> سخنرانی کرد. سروش، انقلاب بهمن ۵۷ ایران را برآمده از اسلام ایدئولوژیک قلمداد کرد، انقلابی که دو رهبر داشت: آیت الله خمینی و دکتر علی شریعتی. اسلام ایدئولوژیک دین را برای دنیا می‌خواهد، و به تعبیر فقهی آن، حکومت را برای اجرای احکام شریعت. از منظر سروش، آیت الله خمینی هوشمندانه درباره شریعت سکوت کرد و با مخالفان شریعتی در داخل و خارج کشور همدلی نکرد، چرا که نیک می‌دانست شریعتی موافقان بسیاری دارد و موضع گیری او درباره شریعتی، خصوصا پس از وفاتش، سبب خواهد شد حاشیه به جای متن بنشیند و بحث‌های فرعی جای مسائل اصلی را بگیرد. سروش ادامه داد که اسلام ایدئولوژیک و سیاسی، اولاً و بالذات در پی حکومت کردن و اجرای احکام شریعت در جامعه است؛ در مقابل، اسلام پسا ایدئولوژیک، پلورالیست و دموکراتیک است، به «دین حداقلی» باور دارد، اخلاق را بر می‌کشد و در پی برقراری تلائم و سازگاری میان فقه و اخلاق است. سروش با اشاره نظریه «قبض و بسط تئوریک شریعت» خویش، از کثرت تفاسیر و قرائت دینی سخن به میان آورد و تاکید کرد که لازمه به رسمیت شناختن کثرت قرائت دینی، نقد قرائت رسمی از دین و بر کشیدن و موجه انگاشتن پلورالیسم سیاسی است. سروش با اشاره به سخنان اخیر آیت الله خامنه‌ای در جمع اعضای مجلس خبرگان در نقد «دین حداقلی»، گفت اسلام پسا ایدئولوژیک و پسا اسلام‌گرا، بر خلاف اسلام سیاسی، انتظار حداکثری از دین ندارد، بلکه انتظار حداقلی از دین دارد و آنرا در جای خود می‌نشانند، دینی که جهت گیری اولیه و اصلی آن معطوف به آخرت است و نه دنیا (همانطور که ابو حامد غزالی و امام فخر رازی پیشتر بر این امر تاکید کرده‌اند). اسلام پسا ایدئولوژیک به روایت سروش، در پی هدم و نفی دیانت و شریعت نیست، بلکه انتظار حداقلی از دین دارد و بر این باور است که وظیفه اصلی حکومت برآورده کردن نیازهای اولیه شهروندان است، نه اجرای احکام شریعت، که «نازینی تو ولی در حد خویش»؛ از اینرو نحوه حکومت کردن در جوامع دینی، تفاوت ماهوی با نحوه حکومت کردن در جوامع غیر دینی ندارد. سروش با تفکیک میان «سکولاریسم فلسفی» و «سکولاریسم سیاسی» از یکدیگر، سکولاریسم سیاسی و تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت را از مقومات «پسا اسلام گرایی» انگاشت.

1. "post-Islamism and its Discontents".

2. Post-Islamism

3. refolution

4. "Post Ideological Islam"

پس از این دو سخنرانی، میزگردی با حضور آصف بیات و عبدالکریم سروش برگزار شد. پس از اینکه هر دو سخنران، سخنان تکمیلی خود درباره «پسا اسلام گرایی» را طرح کردند، حضار پرسش‌های خود را طرح کردند و بحث و گفتگوی خوبی در گرفت. روز اول کنفرانس، پس از مراسم افتتاحیه، میزگرد «نوسان اسلام میان اسلام گرایی و پسا اسلام گرایی»<sup>۱</sup> برگزار شد. در این پنل، لیاقت تکیم، استاد دانشگاه مک‌مستر، درباره نسبت میان پسا اسلام گرایی و فقه اسلامی سخن گفت. از منظر تکیم، آنچه قوام بخش صدور احکام اسلامی در عصر پیغمبر بوده، عرف و رسوم و عادات آن روزگار بوده، عرفی که فی‌نفسه قداستی ندارد؛ از اینرو امروز باید با حفظ روح حاکم بر قوانین فقهی، به بازخوانی و صورت‌بندی مجدد آنها همت گمارد؛ مشخصاً او در سخنرانی خویش به لزوم بازخوانی برخی از احکام فقهی در آمریکای شمالی اشاره کرد. مهدی نوربخش درباره وضعیت تونس و مصر و تحولات این دو کشور پس از «بهار عربی»<sup>۲</sup> سخن گفت. به روایت نوربخش، وضعیت تونس به مراتب بهتر از مصر است، برخی تحولات موجه و رهگشا، به دلالت و درایت راشد غنوشی و یاران و همفکرانش پس از بهار عربی، در قوانین کشور تونس، بر خلاف مصر رخ داده است. مثلاً، مجازات «ارتداد» در قوانین تونس لغو شده است.

من نیز در این میزگرد تحت عنوان «رویکرد پسا اسلام گرایانه: حجاب اسلامی از منظر اخلاقی»<sup>۳</sup> سخنرانی کردم. در این سخنرانی توضیح دادم که بر خلاف اسلام گرایانی چون آیت‌الله خمینی و علی شریعتی، رفرمیست‌های پسا اسلام گرا، دلمشغول نسبت سنجی میان فقه و اخلاق اند و بر این باورند که مسلمانان باید آموزه‌های اخلاقی را نیز لحاظ کنند تا به داوری و تلقی موجهی از شریعت و دیانت برسند، در غیر اینصورت قرائت ایشان از متن مقدس و توسعاً سنت دینی ناموجه خواهد بود. لازمه این نگرش، جدی گرفتن آموزه‌های اخلاقی و شهودهای اخلاقی عرفی<sup>۴</sup> و توزین احکام فقهی اجتماعی در ترازوی اخلاق است. در ادامه، با اشاره به آراء برخی از فقها و اسلام شناسان شیعی و سنی مذهب که از موجه بودن نپوشاندن موی سر و گردن سخن گفته‌اند، از منظر اخلاقی به مسئله حجاب پرداخته، با وام کردن برخی از آموزه‌های فلسفه اخلاق دیوید راس، فیلسوف اخلاق انگلیسی قرن بیستم، استدلالی له‌روایی اخلاقی نپوشاندن موی سر و گردن اقامه کردم.<sup>۵</sup>

حضور برخی نیروهای پلیس در میان مستمعان این کنفرانس دو روزه چشمگیر و قابل توجه بود. از ایشان خواسته شده بود برای آشنایی بیشتر با جهان اسلام و تحولات خاورمیانه، همچنین آراء اسلام شناسان و متخصصان این فن و ربط و نسبت میان «اسلام گرایی» و «پسا اسلام گرایی»، در این کنفرانس شرکت کنند.

امیدوارم با عنایت به تجربه زیسته «اسلام گرایی» در جهان اسلام در دهه‌های پیشین، رفته رفته آموزه‌های پسا اسلام گرایی در میان مسلمانان کشورهای اسلامی نهادینه شود؛ آموزه‌هایی که به نظرم نوید بخش زندگی انسانی‌تر، اخلاقی‌تر و معنوی‌ترند و راهی به رهایی می‌گشایند.

1. "Islam Oscillating between Islamism and Post-Islamism"

2. Arab Spring

3. "Post-Islamist Approach to Veiling: Islamic Hijab from an Ethical Perspective".

4. common-sensical moral intuitions

۵. پاورپوینت‌های این سخنرانی در لینک زیر قابل دسترسی است: